

تصویرپردازی از آینده بیداری اسلامی بر اساس ماجرای طالوت (ع) در قرآن

فرهاد احمدی آشتیانی^۱

مهدی احمدیان (نویسنده مسئول)^۲

چکیده

ترسیم تصویری قرآن‌بنیان از آینده جریان بیداری اسلامی، در کانون توجه این پژوهش قرار دارد (مسئله)؛ برای این منظور از روش آیه‌پژوهی استفاده شده که در خلال آن با «نگاه آیاتی» به ماجرای طالوت (ع) در سوره بقره، «نگاشت» گذشته به آینده به شکلی قاعده‌مند صورت می‌پذیرد. مطابق با نگاه آیاتی مصادیق گذشته «آیات»، ماکتی از مصادیق آینده آن است که به صورت تکامل یافته‌تر و در پهنه وسیع‌تری واقع می‌شوند. از همین رو مفهوم «آیه» در مطالعات آینده‌نگری قرآنی حائز اهمیت است (روش)؛ با معادل‌سازی ماجرای طالوت (ع) با شرایط عصر کنونی امت اسلامی به عنوان «ذوالآیه»، می‌توان سناریویی برای تحولات آینده امت اسلام در پنج مقطع پیشنهاد داد؛ یک) ایجاد نیاز به تحول ساختاری که در آن به دنبال فشارهای دشمن، نخبگان جامعه به سطح بالاتری از هشیاری و بیداری اسلامی می‌رسند، دو) ایجاد ساختارهای الهی در جبهه حق، سه) آماده‌سازی لشکریان تا شکل‌گیری یک ساختار نظامی هماهنگ با بهره‌مندی از توان‌های فرامادی، چهار) سرکوبی فساد جبهه استکبار با محوریت رژیم صهیونیستی و پنج) ایجاد زمینه‌های جهش تمدنی. این الگوی قرآنی، تصویری از گشایش پس از شدت و افق روشن استقامت در برابر تهدیدها را فراروی بیداری اسلامی می‌گشاید، که تداعی‌گر منطق امیدبخش و برانگیزاننده‌ای برای امت اسلامی است (یافته‌ها).
کلیدواژه‌ها: آیه، نگاه آیاتی، بنی اسرائیل، گام دوم انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی..

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران، پژوهشگر همکار دفتر آینده‌پژوهی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

farhadahmadi@ut.ac.ir

 <https://orcid.org/0000-0002-6569-6614>

۲. استادیار آینده‌پژوهی، دفتر آینده‌پژوهی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

m.ahmadian@ut.ac.ir

 <https://orcid.org/0000-0002-2202-1668>

۱. مقدمه

در دوران معاصر اندیشمندان مسلمان و پژوهشگران مسائل مربوط به جهان اسلام به موضوع آینده پیش روی امت اسلام و مسیر گذار به سوی تمدن نوین اسلامی توجه نشان داده‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران پدیده بزرگی است که به عنوان یک نقطه عطف در مسیر گذار تمدنی امت اسلام به حساب می‌آید. تا جایی که امروز پرداختن به آینده امت اسلام بدون توجه به تأثیرات این انقلاب در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی امت اسلام ممکن نیست.

وقوع زنجیره جنبش‌های مردمی در کشورهای اسلامی غرب آسیا و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۱ و شکل‌گیری و قدرت‌یابی محور مقاومت در کشورهای اسلامی غرب آسیا برخی از تحولات بزرگ و سرنوشت‌سازی است که با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران و در امتداد گسترش آن ایجاد شده‌اند. (رنجکش: ۱۳۹۸)

اکنون بعد از متوقف شدن جریان بیداری اسلامی در کشورهای شمال آفریقا و تحولات پرسرعت منطقه غرب آسیا، این پرسش نیازمند تأمل است که سیر تحولات محیطی و به ویژه تکامل بیداری اسلامی تا رسیدن به آستانه تمدنی چگونه می‌تواند باشد؟ برای پاسخ می‌توان به ایده‌ها و نظریه‌های متنوعی با خاستگاه اسلامی یا غیر اسلامی تکیه کرد. اما مشخص است که در فضای رقابت فرهنگی و تمدنی، ابتدای تحلیل بر اندیشه اسلامی ضرورت می‌یابد.

با این مقدمه، موقعیتی مسأله‌خیز شناسایی شده و دو مسأله در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. مسأله اصلی، ضعف در ارائه تصویری اسلامی و به ویژه قرآن‌بنیان از آینده جریان بیداری اسلامی است که هم بتواند با شواهد موجود ارتباط قوی برقرار کند و هم ترسیم‌گر شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب باشد. مسأله دیگر، عدم برخورداری از رویکرد روشی خوش‌ساخت برای ترسیم تصاویر آینده است که با ماهیت اندیشه اسلامی هم‌افزا بوده و از شائبه دنباله‌روی از التقاط و سکولاریسم منزه باشد. از همین رو این پژوهش از روش «آیه‌پژوهی» که در خلال آن با «نگاه آیاتی» به ماجرای طالوت (ع)، «نگاشت» گذشته به آینده به شکلی قاعده‌مند صورت پذیرفته، بهره برده است.

واژه «آیه» با بیش از چهارصد بار تکرار مشتقات آن در قرآن، یکی از مفاهیم محوری و کلیدی در قرآن است. در کتاب‌های لغت معانی‌ای مانند علامت، نشانه، نشانه و علامت آشکار، عمارت و بنای مرتفع، عبرت، آهنگ مقصود و وسیله‌ای بر وصول به آن، جماعت، امر

شگفت آور، معجزه و دلیل برای «آیه» ذکر شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۴۱/۸؛ جوهری، ۱۴۰۴: ۶/۶-۲۲۷۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/۱۴-۲-۶۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۲/۴-۳۰۱-۳؛ زبیدی، ۱۴۱۵: ۱۹/۸۰-۱۷۹؛ راغب، ۱۹۹۲: ۲-۱۰۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱/۱۴۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۷/۱-۱۸۶؛ ابن فارس، ۱۳۶۲: ۱/۱۶۸). از این بین، معانی علامت و نشانه به عنوان معادل نزدیک علامت در زبان فارسی، مورد اشاره بیشتری قرار گرفته‌اند.

این واژه در قرآن دارای مصادیق متفاوتی است؛ گاهی برای قوانین و احکام فقهی [بقره ۲۳۱ و ۲۴۲]، گاهی برای پدیده‌های موجود در آسمان‌ها و زمین [اسراء ۱۲ و نور ۴۶] و گاهی برای معجزات رسولان (ع) [طه ۲۲ و انبیاء ۷۷] به کار رفته است. توجه به مصادیق آیات الهی روشن می‌سازد که در فرهنگ قرآن «آیات خداوندی» می‌توانند به مقولاتی تکرارشونده که حاکی از ماجرابی در آینده باشند، اطلاق شوند.

هر آیه می‌تواند بارها و بارها در شرایط مناسب اعمال گردد. مصادیق گذشته «آیات» در حقیقت ماکتی از مصادیق آینده «آیات» است که به صورت تکامل یافته‌تر و در پهنه وسیع‌تری واقع خواهند شد. این نوع نگاه به جهان و آیات خداوندی، نگاه آیاتی است که بارها در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. از همین رو مفهوم «آیه» و نگاه عمیق آیاتی در مطالعات آینده‌نگری اسلامی حائز اهمیت است.

برخی معانی مطرح برای مفهوم آیه در پیش از اسلام مانند «نشانه‌های به جامانده از منزلگاه محبوب» (موسوی اندرزی و آذرنوش: ۱۳۸۹) بر لزوم اعتنا به دالّ علاوه بر توجه به مدلول تأکید دارد. علاوه بر این توجه به گونه‌های ارتباط میان آیه و مفهوم اصلی خود یعنی ذوالآیه و بررسی زنجیره‌های علی و معلولی و نگاشت‌های استعاری میان آیه و ذوالآیه (حمیدی: ۱۳۹۶) زمینه را برای نگاشت روش مند از آیه به ذوالآیه فراهم می‌کند.

با همین دیدگاه ذوالفقارزاده و همکاران (۱۳۹۸: ۸۷) فعالیتی پژوهشی با عنوان آیه پژوهی را تعریف می‌کنند: «آیه پژوهی، پژوهشی متکی بر آیات الله است که از این آیات برای فهم مقوله‌هایی فراتر از زندگی دنیا یا رویدادها و مقوله‌هایی مربوط به آینده و در نتیجه بهبود الگوی رفتاری در رویارویی با آینده‌ها، بهره می‌گیرد.» بنابراین آیه پژوهی نه به معنای پژوهش در مورد مکتوبه قرآنی یا جمله‌خوانی از متن مقدس، که به معنای «پی‌جویی» دلالت‌های «آیه» و نگاشت آن به ذوالآیه یا ذوالآیه‌ها در نظر گرفته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

مروری مختصر بر پژوهش‌های اخیر در حوزه تمدنی و به ویژه تحولات تمدنی جهان اسلام، نشان می‌دهد که همچنان رویکرد تاریخی غلبه دارد و محدود آثاری یافت می‌شود که حقیقتاً با در نظر داشتن جریان‌های بیداری اسلامی، به آینده تمدنی جهان اسلام بپردازند و الزامات و راه‌کارهای بلوغ آن را عرضه کنند.

قاسمی (۱۳۹۶) بر ضرورت آینده‌نگاری و راهبردپردازی برای ساختن تمدن نوین اسلامی تأکید کرده است. دانش‌نیا (۱۳۹۶) با طرح این پرسش که شکل‌گیری و زوال نظم هژمونیک بین‌المللی از چه منطقی پیروی می‌کند و در نظام بین‌الملل کنونی چه امکاناتی از حیث مفصل‌بندی قدرت و نظم، و رای ظرفیت تمدن غربی پیش رو قرار دارد؛ بر ظرفیت گفتمانی رهیافت ایرانی-اسلامی تأکید می‌کند. پژوهش‌هایی (لاجوردی و معینی‌پور، ۱۳۹۹ و عارفی، ۱۳۹۷) نیز سیر تمدن‌سازی را از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراحل پنج‌گانه خود بررسی کرده‌اند. نجف‌زاده (۱۳۹۶) با عارضه‌یابی بحران‌های امت اسلامی ریشه‌ها را در فاصله گرفتن از سنت‌های عقلانی می‌داند و با تکیه بر نقش سازنده و دفاعی عقلانیت سه‌گانه و کارکردهای آن، برخی از امکان‌های نظری ساخته‌شدن حوزه عمومی مسالمت‌آمیز در تمدن نوین اسلامی را بررسی و تبیین کرده است.

مرشدی‌زاد (۱۳۹۶) با بحث درباره مفهوم «حکمرانی خوب» می‌کوشد از کمک‌ها و ارزش‌های تکمیل‌کننده این ایده در انسجام بخشیدن به نظریه ولایت فقیه و تحقق تمدن نوین اسلامی استفاده کند. بابایی (۱۳۹۶) با تمرکز بر ابعاد فرهنگی و رسانه‌ای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، به گذار از رسانه دولت‌محور به رسانه تمدنی تأکید کرده است. معماری (۱۳۹۶) با مطرح کردن ارزش‌های چهارگانه بینش، دانش، کنش و منش از منظر اسلامی آن‌ها را اضلاع تمدن اسلامی به شمار می‌آورد و از این رهگذر معیارهایی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی و حفظ پابرجایی آن ارائه می‌کند، اما مسیر رسیدن به این‌ها در بحث او نمی‌گنجد.

مولوی (۱۳۹۶) بحث می‌کند که رویکرد اجتماعی به قرآن از جهات گوناگونی بر شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی تاثیر زیادی دارد، که برخی از آنها عبارتند از هویت بخشی به جامعه اسلامی و عینی کردن ارزش‌ها و به صحنه آوردن تعالیم قرآن. کریمی (۱۳۹۶) با طرح این پرسش که مهم‌ترین پیشران‌های خارجی تمدن نوین اسلامی چیستند و چگونه پیشبرد این ایده را

عملیاتی و تثبیت می‌کنند، به تلاش برای شناخت دقیق تمدن نوین اسلامی و واکاوی پیشران‌های ظهور و پیشبرد آن در خارج از جهان اسلام در سطوح دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازد.

۳. تصویری از ماجرای طالوت (ع) در سوره بقره

ماجرای طالوت (ع) [بقره ۲۴۷-۲۵۲] نیز یکی از «آیات» خداوند است. لذا قوانین و روابط حاکم بر این ماجرا قابلیت تکرار دارند. خداوند در هر دورانی که شرایط و ویژگی‌های آن ظرف مناسبی برای وقوع آن باشد، این آیه را اعمال می‌کند. البته قوانین و روابط موجود در هر آیه با توجه به ویژگی‌ها حاکم بر هر زمان، شدت و ضعف می‌یابند و مصادیقی مناسب با ظرف و وقوع خود ایجاد می‌کنند.

خداوند در آیه ۲۵۲ سوره بقره بعد از آنکه ماجرای طالوت (ع) را به عنوان یکی از آیات الله بر رسول الله (ص) تلاوت می‌کند، به منصب رسالت ایشان تصریح می‌کند؛ «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ». مسلماً این دو جمله متوالی از کلام خداوند پیوستگی معنایی با یکدیگر دارند. رسول کسی است که از جانب خداوند واسطه ارسال مقولات مرتفع به دنیا است. رسول الله (ص) به عنوان سید الرسل مقولات متعددی را به سوی عمق ارسال کرده‌اند. مطابق با این آیه یکی از مقولاتی که ایشان ارسال کرده‌اند، آیه ماجرای طالوت (ع) است. بنابراین این مجموعه از ماجراها در امت ایشان نیز تکرار می‌شود. البته با توجه به شأن ایشان و سیر تکاملی عالم، این آیه به شکل تکامل یافته‌تر و در پهنه وسیع‌تری اعمال می‌شود.

روایتی که سوره بقره از ماجرای طالوت (ع) به دست می‌دهد، به رغم کوتاه بودن، جزئیات بسیاری دارد. جدول شماره یک رویدادهای تصریح شده از ماجرای طالوت (ع) را نمایان می‌کند. با کنار هم چیدن این رویدادها می‌توان پنج مقطع اصلی برای ماجرای طالوت (ع) برداشت کرد که در ادامه هر کدام با نقطه عطف و عامل گذار به مقطع بعدی معرفی می‌شوند.

جدول شماره ۱. رویدادهای تصریح شده از ماجرای طالوت (ع) در سوره بقره

شماره	رویداد	آیه راهنما
۱	پناه بردن نخبگان (برگزیدگان) قوم به پیامبری که برای ایشان فرستاده شده بود	۲۴۶
۲	کتابت شدن جنگ بر بنی اسرائیل و سر باز زدن نخبگان مال دوست قوم از جنگ	۲۴۶
۳	برانگیخته شدن و معرفی طالوت (ع) به عنوان فرمانده جنگی از جانب پیامبر قوم	۲۴۷
۴	عدم پذیرش طالوت (ع) و مجادله با پیامبر توسط (نخبگان) قوم	۲۴۷
۵	اعطای آیه الهی به طالوت (ع)	۲۴۸
۶	عزیمت لشکریان طالوت (ع) از پایگاه‌های خود برای جنگ با لشکریان جالوت	۲۴۹
۷	غربال شدن لشکریان در ابتلاء به نهر	۲۴۹
۸	رویاریوی لشکریان طالوت (ع) با لشکریان جالوت	۲۵۰
۹	پیروزی لشکریان طالوت (ع) بر لشکریان جالوت	۲۵۱
۱۰	ظهور داوود (ع)	۲۵۱

۳-۱. ایجاد نیاز به تحوّل ساختاری

مطابق آیه ۲۴۶ سوره بقره، نخبگان بنی اسرائیل در دورانی بعد از موسی (ع) به پیامبر زمانه خود رجوع می‌کنند و از ایشان طلب می‌کنند تا ملکی بر ایشان بگمارد تا در راه خدا به جهاد بپردازند؛ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ لَهُمْ إِنْهَاءُ نَفَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». این موضوع روشن می‌سازد که از سوی دشمن فشارهای بسیاری به ایشان وارد شده و این نخبگان به اجماع رسیده‌اند که به پیامبر الهی مراجعه کرده و خواهان اجرای نسخه خاصی باشند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۴۳۲)

این فشارها فشارهایی تأثیرگذار بوده‌اند که نیاز به جهاد همگانی در برابر دشمن را بر انگیزته‌اند. (بحرانی، ۱۴۱۷: ۱/۵۰۹) یعنی این فشارها نه به صورت فتنه‌گونه با منشأی ناپیدا، بلکه از جانب جبهه‌ای مشخص و آشکار بوده است. آنچه ایشان را به این موقعیت رسانده، دشمنی‌های جالوت و سپاه او است. دشمن با اقدامات خود بنی اسرائیل را از سرزمین خود اخراج کرده و همچنین بین ایشان و فرزندان‌شان جدایی انداخته است؛ «وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانَا». [بقره ۲۴۶]

بزرگان بنی اسرائیل که چه بسا پیش از این هر کدام در رأس قبیله یا عشیره‌ای قرار داشتند، بر اثر فشارهای جالوتیان به ستوه می‌آیند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۴۳۲) و به این نتیجه می‌رسند

که ساختارهای حکومتی و اجتماعی ایشان دیگر پاسخ‌گویی نیازهای ایشان نیست و نمی‌توانند با ساختارهای موجود در برابر دشمنی‌های جالوتیان تاب آورند. این نیازهای جدید بزرگان بنی‌اسرائیل را به سمت ساختارهای جدید سوق می‌دهد. همچنین این نخبگان راه حل را در تشکیل یک حکومت واحد و بعد از آن جهاد در راه خدا می‌یابند. حکومتی که باید در رأس آن ملکی باشد که نه به دنبال انتخاب در شورای بزرگان بلکه از سوی الهی‌ترین فرد زمانه در این منصب قرار گرفته باشد. ملکی که می‌بایست جامعه را در قالب لشکریایی سامان دهد و به سوی جنگ با جالوتیان گسیل کند؛ «ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». [بقره ۲۴۶]

۲-۳. ایجاد ساختارهای الهی

به دنبال درخواست نخبگان قوم، پیامبر زمانه از قرار گرفتن طالوت (ع) به عنوان ملک از سوی خداوند خیر می‌دهد؛ «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا». [بقره ۲۴۷] بزرگان قوم تحت تأثیر فرهنگ خود با تأکید بر ضعف مالی طالوت (ع)، خود را برای ملک شایسته‌تر از او دانستند (طبرسی، ۱۳۶۰: ۸۱/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۱۴/۱) و به مجادله با نبی خود برخاستند؛ «قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ». [بقره ۲۴۷] این بیان حاکی از هجمه فکری - فرهنگی دشمن بر بنی‌اسرائیل و نهادینه شدن فرهنگ غیر الهی در آن قوم است.

پیامبر بنی‌اسرائیل در برابر مخالفت‌های بزرگان قوم، انتخاب طالوت (ع) توسط خداوند را یادآور می‌شود؛ «قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». [بقره ۲۴۷] این موضوع روشن می‌سازد که بزرگ‌ترین اشکال فکری قوم با وجود ایمان به خدا و پیامبر او، باور نداشتن به «خداوند صاحب برنامه» و «خداوند فاعل در صحنه» بوده است. پیامبر بنی‌اسرائیل با بیان این اشکال بزرگ عقیدتی، ریشه مخالفت‌ها و مانع‌تراشی‌ها را آشکار می‌کند و معیارها و ارزش‌های الهی را در مقوله ملک‌داری بیان می‌کند؛ این خداوند است که طالوت (ع) را در بعد علمی و جسمی رشد داده است و خداوند ملک خویش را به هر کس که بخواهد می‌دهد.

در آیه ۲۴۸ پیامبر بنی‌اسرائیل سخن از «آیه» ملک طالوت (ع) به میان می‌آورد. یعنی صرف تبیین کلامی نصب طالوت (ع) از جانب خداوند، نتوانسته مانع فکری - فرهنگی موجود در

جامعه نخبگانی را بر طرف سازد. خداوند تابوت سکینه را به عنوان ابزار مُلک به طالوت (ع) عطا می‌کند و پیامبر بنی اسرائیل جهت افتخار نخبگان قوم و تثبیت مُلک طالوت (ع)، از پیش عطای این موهبت‌ها را به عنوان «آیه» مُلک طالوت (ع) خبر می‌دهد: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ». [بقره ۲۴۸]

مُلک طالوت (ع) در چارچوب تفکرات مادی نخبگان قوم تعریف نمی‌شود. او از ابزارهای رایج برای اداره و پیش‌برد مُلک خویش بهره نمی‌برد. طالوت (ع) از توان‌های خاص خداوندی بهره‌مند است. او تابوت سکینه را که سال‌ها ناپیدا بوده به بنی اسرائیل باز می‌گرداند (قمی، ۱۳۶۷: ۸۲/۱-۸۱). ملانک به فرمان او هستند و تابوت را برای او حمل می‌کنند. او از معجزات تابوت استفاده می‌گیرد و جامعه را از این طریق در برابر تهدیدها و فشارهای دشمن مصون می‌سازد و برای مواجهه با جالوتیان آماده می‌کند.

در این مقطع که در سطرهای یک تا پنج جدول شماره یک نشان داده شده، با اعطای آیه الهی حجت بر مخالفان داخلی تمام می‌شود و همین جا است که نقطه عطف فرماندهی و سازمان رزمی طالوت (ع) هم رقم می‌خورد.

۳-۳. آماده‌سازی لشکریان

بعد از ایجاد ساختار مطلوب و تثبیت مُلک طالوت (ع) در بنی اسرائیل، او لشکریان خود را به سوی جنگ با جالوت و سپاه او گسیل می‌کند. خداوند لشکریان را در خلال حرکت با صحنه‌هایی مواجه می‌کند تا در نهایت برای جنگ با جالوتیان آماده شوند. طالوت (ع) عبد خدا است. او از پیش خود برنامه و تصمیمی ندارد و پیوسته متوجه برنامه خدا است. او تبیینی دقیق از برنامه‌های خداوندی دارد و مجری برنامه‌های خداوند است. او از پیش می‌داند که خداوند لشکریان را با نهری خواهد آزمود و چگونگی این آزمایش الهی و راه موفقیت در آن را نیز می‌داند و برای لشکریان خود تبیین می‌کند: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ». [بقره ۲۴۹]

طالوت (ع) تربیت‌های جدیدی در لشکر خود پیاده می‌کند. تعلیم و تربیت‌های او در راستای آن است که لشکریان «مِنِّي» شوند. یعنی همچون او عبد خداوند و همراه با «ولئی»

شوند؛ کسانی که تبیین دقیقی از برنامه خداوند دارند و کاملاً هماهنگ با او و مطابق با برنامه او رفتار انجام می دهند و در صحنه‌ها همپای ولی حرکت می کنند. در نهایت لشکریان در آستانه جنگ با جالوتیان به رشد مطلوب می رسند؛ «قَالَ الَّذِينَ يَلْمِئُونَ أَنَّهُمْ مَلَاقُوا اللَّهَ كَمَا مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ». [بقره ۲۴۹]

در این مقطع که در سطرهای شش تا هشت جدول شماره یک نشان داده شده است، صحنه سیاست داخلی به صحنه رزمی مبدل می شود که نقطه اوج آن جنگ طالوتیان و جالوتیان است.

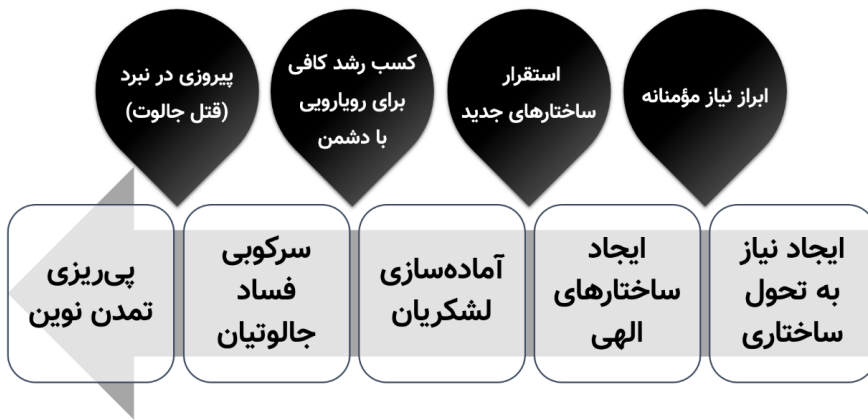
۳-۴. سرکوبی فساد جالوتیان

لشکریان طالوت (ع) بعد از فراگرفتن تربیت‌ها در خلال صحنه‌های خدایی، با جالوتیان مواجه می شوند؛ «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَي الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ». [بقره ۲۵۰] طالوت (ع) و سپاه او با بهره‌مندی از تأییدات خداوند در صحنه جنگ پیروز میدان می شوند. در این جنگ داوود (ع) جالوت را می کشد و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی می دارد و از آنچه مشیت او بوده به او تعلیم می فرماید؛ «فَهَزَّ مُوَهُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ». [بقره ۲۵۰]

در پایان خداوند این ماجرا را از «آیات الله» معرفی می کند که بر رسول الله (ص) تلاوت می کند؛ «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ». [بقره ۲۵۲]. سطر نهم در جدول شماره یک حاکی از این مقطع است. این مقطع که پایان جنگ است، تبعات گسترده غیر جنگی هم دارد که همان برچیده شدن سلطه چندجانبه جالوتیان بر محیط پیرامونی خود است.

۳-۵. پی‌ریزی تمدن نوین

سطر دهم در جدول شماره ۱ نیز از ظهور چهره‌ای بسیار توانمند و حکیم به نام داوود (ع) حکایت دارد که این ظرفیت‌های وجودی ایشان بعدها در مُلک داوودی (ع) و سپس مُلک سلیمانی (ع) تجلی می‌یابد. بنابراین اثر وضعی ظهور و حضور ایشان، پی‌ریزی تمدن نوین است. نمودار شماره ۱ شماره ترکیب مقاطع مورد نظر را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۱. سیر مقاطع در ماجرای طالوت

۴. نگاشت ماجرای طالوت (ع) به آینده امت اسلامی

حال با این سوال روبرو هستیم که بازگویی این ماجرا از گذشته یک قوم چه سودی برای آیندگان دارد؟ آیا روایت این ماجرا می‌تواند برای تصویرسازی حال یا آینده مؤمنان و به‌ویژه امت اسلامی فایده‌ای داشته باشد؟ آیا اگر قرار بود که روایت شدن ماجرای گذشته سودی به حال آیندگان نداشته باشد، خدا آن را در قرآن بیان می‌کرد؟

این‌جا نیاز است که بر نگاه آیتی تأکید شود. درست است که هر ماجرای در گذشته می‌تواند عبرت و آموزه‌ای برای آینده داشته باشد، اما پدیده‌هایی که «آیه» نامیده می‌شوند قیمت بالاتری دارند و حتماً باید مورد توجه همه مؤمنان قرار بگیرند. چرا که مقولات و روابط بین آنها در هر آیه بارها از سوی خداوند در ظرف‌های زمانی مختلف اعمال می‌شوند که اگر چه از خصائص ظرف زمانی خود تأثیر می‌پذیرند، اما در یک نگاه کل‌نگر صحنه‌های مشابهی را رقم می‌زنند.

از آیات هم می‌توان برداشت‌های جزئی کرد، یعنی از رویدادهای کوچک و روابط جزئی بین افراد یا اجتماعات یا پدیده‌ها نکاتی را برداشت کرد و برای امروز بهره برد و هم می‌توان تصویر کلی را برای فهم کلی راجع به یک پدیده کلان به خدمت گرفت. آنچه در این نوشتار مورد نظر است استفاده از تصویر کلان ماجرای طالوت (ع) برای دستیابی به تصویر کلانی از سیر تحولات و رویدادها در جامعه‌ای دیگر و در آینده پس از طالوت (ع) است.

با توجه به این که در قرآن و خطاب به رسول الله (ص) این ماجرا آیه دانسته شده، بنابراین باید نگاه آیاتی را در امت اسلامی و در مقطعی پس از بعثت رسول الله و نزول این آیات دنبال کرد؛ هرچند که ممکن است قبل از این هم جلوه‌هایی از ماجرا وجود داشته باشد. پس باید در این مقطع زمانی به دنبال یک ظرف اجتماعی خاص گشت که در آن تصویری مشابه تصویر ماجرای طالوت (ع) تکرار شود. اگر این ظرف پیدا شود آنگاه در مقایسه با ظرف اجتماعی مربوط به گذشته قوم بنی اسرائیل قرار می‌گیرد و می‌توان نسبت بین این دو ماجرا را دریافت و تبیین کرد. این کار را «نگاشتن» ماجرای گذشته به ماجرای در آینده نام می‌نهمیم.

۴-۱. فضای قابل نگاشتن از گذشته به آینده

ماجرای طالوت (ع) در بنی اسرائیل و بعد از دوران حضور موسی (ع) رقم خورده است. مشابه این ماجرا نیز در امت اسلام و بعد از رحلت رسول الله (ص) رخ می‌دهد. می‌دانیم پس از رحلت ایشان نیز دیگر قرار نیست پیامبری به‌طور مستقیم و مادی مورد مراجعه برگزیدگان امت‌شان قرار بگیرند. اما از آنجا که برای رسول الله (ص) جانشینانی متصور است، همچنان می‌توان این ماجرا را در قلمرو امت رسول الله دنبال کرد.

به لحاظ جغرافیایی ماجرای طالوت (ع) در سرزمین استقرار و تقابل طالوت و جالوت رقم خورده است، بنابراین باید جغرافیای ماجرای مربوط به امت پیامبر اکرم (ص) را نیز جغرافیایی در برگیرنده امت اسلام و یا بخش قابل توجهی از آن و معارضان و سلطه‌جویان بر این امت در نظر گرفت.

در مجموع برای نگاشتن ماجرای گذشته به آینده با نگاه آیاتی، از قلمرو بنی اسرائیل در محدوده سرزمینی که در آن تعارض بین طالوتیان و جالوتیان رخ داده است و در زمانی بعد از زمانه موسی (ع) باید گذر کرد به فضای بزرگ‌تر در پهنه کره زمین که در آن جهان اسلام یعنی امت پیامبر (ص) یا حداقل بخش عمده و اصلی آن در دوران بعد از دوران رسول الله به ماجرای نسبتاً مشابه و با همان پیچیدگی‌ها و روابط اصلی مطرح در ماجرای طالوت (ع) دچار می‌شوند. جدول شماره دو نگاشتن فضای مبداء و فضای مقصد را در آیه ماجرای طالوت (ع) نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. نگاشت فضای مبدأ به فضای مقصد در نگاه آیاتی به ماجرای طالوت (ع)

شماره	فضای مبدأ	فضای مقصد
۱	بعد حضرت موسی (ع)	بعد پیامبر خاتم (ص)
۲	قوم حضرت موسی (ع)	امت پیامبر خاتم (ص)
۳	قلمرو بنی اسرائیل	جهان اسلام
۴	محیط کشمکش طالوتیان و جالوتیان	جامعه بشری

در این صورت می توان انتظار داشت مشابه پنج مقطع اصلی که از ماجرای طالوت (ع) برداشت شد در میان مسلمانان نیز رخ دهد و پیش از این پنج مقطع دوره طولانی از گسترش فساد مشاهده شود. برای فهم بهتر این شباهت می بایست هم مقاطع گذشته را به مقاطع کنونی نگاشت کرد و هم عوامل حاضر در صحنه مبدأ یعنی ماجرای طالوت (ع) را با عوامل موجود در صحنه مقصد یعنی جهان اسلام معادل سازی کرد.

عوامل صحنه در پی فرایند نگاشتی که پیش از این بیان شد احصا می شوند تا به عوامل صحنه جدید تبدیل بشوند. باید در نظر داشت که در آیات ۲۴۶ تا ۲۵۲ از سوره بقره عوامل متعددی در صحنه نام برده شده اند که همه باید فهرست شوند. برای نمونه «ملا بنی اسرائیل» به مجموعه ای از نخبگان امت اسلامی قابل تبدیل است. همچنین پیامبر بنی اسرائیل که مورد رجوع قرار گرفت و به نوعی مرجع نخبگان و مردم به شمار می آمد، با مرجعیت جهان اسلام که دارای شأنی از ولایت الهی است، معادل می شود. جدول شماره سه عوامل احصاء شده از آیات ماجرای طالوت (ع) و معادل آن ها در آینده امت اسلامی را نمایان می سازد.

جدول شماره ۳. نگاشت نقش آفرینان در فضای مبدأ و مقصد

شماره	نقش آفرین مبدأ	نقش آفرین مقصد
۱	بنی اسرائیل	امت اسلامی
۲	ملا بنی اسرائیل	مجموعه نخبگان امت اسلامی
۳	پیامبر بنی اسرائیل	ولی الهی دارای شأن مرجعیت
۴	طالوت	فرمانده سپاه اسلام
۵	حامیان متشکل پیرامون پیامبر	جبهه مقاومت
۶	آل موسی و آل هارون	آل محمد (ص)
۷	ملائکه	ملائکه
۸	سپاه طالوت	سپاه اسلام

۹	فنه قلیله	برگزیدگان معنوی سپاه اسلام
۱۰	جالوت	فرمانده ائتلاف نظامی ضد مقاومت
۱۱	سپاه جالوت	ائتلاف نظامی ضد مقاومت
۱۲	داوود(ع)	ولی الهی برای دوره آتی
۱۳	حکومت طاغوت	جبهه استکبار
۱۴	جامعه پیرامونی	جامعه جهانی

در نگاشت مقاطع نیز باید توجه داشت که پژوهشگر مجاز نیست همه جزئیات آیه را به ذوالآیه منتقل کند. چرا که ظرف زمانی و مکانی و اجتماعی این دو با هم تفاوت جدی دارند. برای مثال ظهور حضرت داوود(ع) به واسطه برخورداری او از مُلک و حکمت و علمی خاص، زمینه‌سازی شکوفایی تمدنی شده است. اما الزاماً در مقطع کنونی نباید به دنبال ظهور ولی الهی بود. بلکه باید زمینه برای رشد علمی و حکمی و مُلکی را منظور کرد.

۴-۲. نسبت سنجی وضعیت کنونی جهان اسلام با مقاطع مطرح در ماجرای طاووت (ع)

بحث علمی مطرح در این نوشتار منتهی به تطبیق و پیش‌بینی نیست، بلکه الگویی از تحولات اجتماعی و تربیتی جامعه است، که می‌تواند در دوره پس از رسول‌الله(ص) نیز در امت ایشان تکرار شود. حال می‌توان بر اساس این بحث برای دست یافتن به یک داستان یا یک سناریو برای بررسی نسبت ماجرای برداشت شده و وقایع موجود در جهان اسلام تلاش کرد. برای این منظور می‌توان مسیر را از آخر به اول آمد.

به طور واضح، امت اسلامی اکنون در مرحله پی‌ریزی تمدن نوینی که در آن معارضان سلطه‌جو به عقب رانده شده و دیگر نفوذ اساسی در مجموعه مسلمانان نداشته باشند، نیست. در یک مرحله عقب‌تر، پدیده سرکوبی دشمنان و جنگ سرنوشت‌ساز با دشمنان امت اسلامی نیز هم اکنون قابل مشاهده نیست. پس مجدداً یک مرحله عقب‌تر می‌آییم. آیا ساختارهای الهی همسوی و وحدت‌آفرینی در بخش عمده‌ای از امت اسلامی دیده می‌شود که نتیجه آن دفع طمع‌ورزی سلطه‌جویانه بر امت اسلامی و منابع آنان به‌ویژه منابع انسانی آنان باشد؟ چنین پدیده‌ای نیز مشاهده نمی‌شود و هم‌اکنون بسیاری از شکاف‌ها و اختلافات داخلی قابل مشاهده هستند و ساختارهای قدرت در داخل جهان اسلام به معارضه با یکدیگر می‌پردازند. بنابراین ما نمی‌توانیم امت اسلامی را در مقطع تجدید ساختار ببینیم.

یک پله عقب‌تر مقطع ایجاد نیاز به تحوّل ساختاری است. آیا فشارهای متنوعی بر امت اسلامی وارد می‌شود که آن‌ها را به ستوه آورد و به نوعی آنان را از حداقل‌های مورد انتظار دنیایی محروم کند. به طوری که بگویند ما از سرزمین مان و از فرزندانمان اخراج شده‌ایم و بهره‌ای مطلوب از زندگی دنیایی نداریم که بخواهیم به آن دل خوش کنیم؟ این پدیده تا اندازه‌ای قابل مشاهده است و از دهه‌ها پیش رو به گسترش بوده و از بخش‌های محدود به بخش‌های گسترده‌تری از امت اسلامی نشر پیدا کرده‌است. بنابراین می‌شود امت اسلامی را در مقطع نخست یعنی ایجاد نیاز به جهاد گسترده تصور کرد. می‌توان مقطعی که در آن فساد به شدت گسترش یافته و فقر فرهنگی و علمی بر امت اسلامی وارد شده است را تصور کرد که این نیز تأیید کننده احتمال حضور در مقطع ایجاد نیاز است.

نکته بسیار مهم این است که مقاطع به صورت کاملاً تیز آغاز نمی‌شوند و پایان نمی‌یابند. بلکه کیفیتی از هر مقطع می‌تواند در مقاطع دیگر نیز قابل رؤیت باشد. اما این جداسازی حاکی از نقاط عطفی است که باعث می‌شود یک پدیده بیش از پدیده‌های دیگر پررنگ باشد. برای مثال «ایجاد نیاز به تحوّل ساختاری» می‌تواند در مقطع «ایجاد ساختارهای الهی» نیز همچنان ادامه پیدا بکند. اما برجستگی خاص آن پیش از ابراز نیاز مؤمنانه و ایجاد اجماع برای حرکت نو دیده می‌شود.

۵. تصویر آینده مبتنی بر الگوی ماجرای طالوت (ع)

پس از روشن شدن منطق کلی ماجرا، می‌توان با تفکری خلاق و آینده‌نگر به تلاش برای ترسیم تصویر آینده پرداخت. برای این منظور هم تدبیر عمیق بر آیات قرآن لازم است و هم مطالعه و بررسی مفصل درباره سیر تحولات جهان اسلام. شایان توجه است که نگارش این اثر پس از گذشت بیش از یک سال از نگارش اولیه ایده آیه پژوهی ماجرای طالوت (ع) انجام شده است. طی این زمان نسبتاً طولانی، بحث با اندیشمندان رشته‌های گوناگون به ویژه رشته روابط بین‌الملل و تحلیل تحولات محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به کمک نویسندگان مقاله آمده تا درک بهتری نسبت به مسیر پیش رو به دست آورند. در ادامه تصویر تحلیلی از مقاطع پیش رو مفروض بر اعمال شدن آیه طالوت (ع) ارائه می‌شود.

۵-۱. ایجاد نیاز به تحوّل ساختاری

اگر خداوند مقولات مرورشده را در حیظه رسالت رسول الله (ص) بار دیگر اعمال کند، شاهد آن خواهیم بود که فشارهای دشمن بر پیکره امت اسلامی تشدید شود و نیازهایی درون جوامع مسلمان شکل گیرد. این نیازها باید به گونه‌ای باشند که فقط با قرار گرفتن ملکی الهی در رأس ساختار حکمرانی برطرف شوند. این نیازها باید امتداد پیدا کنند تا نیاز به ملک الهی پیوسته احساس شود. همچنین این نیازها باید به دنبال هجمه‌های بیرونی و علنی دشمن صورت گیرد و نه به شکل فتنه‌های پنهانی، تا همگان آشکارا منشأ مشکلات را در اقدامات دشمن ببینند و به عنوان راهکاری واحد، جهاد در راه خدا را نتیجه بگیرند.

بنا بر نگاه آیتی به ماجرای طالوت (ع) می‌توان انتظار داشت تا در آینده خداوند با ایجاد فشار خارجی در جوامع اسلامی نیاز ایجاد کند. این فشارها از سوی دشمن بر امت اسلامی افزایش پیدا می‌کند تا جایی که تحمّل آن از سوی مسلمانان ممکن نباشد. خداوند صحنه دشمنی‌ها را به گونه‌ای شکل خواهد داد تا در تمام نخبگان جامعه نیاز به تغییر ساختارهای حکومتی و اجتماعی شکل گیرد. عموم اندیشمندان برجسته جهان اسلام به اقدام جهادی در راه خدا اقبال خواهند کرد و به این نتیجه خواهند رسید که هیچ کدام از ساختارهای شان جوابگو نیست و ساختار مطلوب ایجاد یک حرکت هماهنگ در عرصه حکمرانی در سراسر امت اسلام است. نظام حکمرانی که باید در رأس آن ملک منصوب از سوی الهی‌ترین فرد زمانه قرار گیرد.^۱

لذا در تمام کشورهای اسلامی از جمله ایران مخاطره ایجاد خواهد شد. مطابق با «قَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا» [بقره ۲۴۶] باید انتظار داشت تا بخش مهمی از این فشارها از جنس اخراج سرزمینی یا ایجاد ناامنی گسترده در کشورهای مسلمان باشد. پس دشمن در نقاط مختلف اقدام به اخراج سرزمینی مسلمانان کرده و با تحریم‌های اقتصادی و آشوب‌های اجتماعی حلقه محاصره را کامل می‌کند. تا در نهایت مطالبات نخبگان در راستای تخریب ساختارهای موجود و حرکت به سمت ساختارهای جدید به صورت روز افزونی شکل گیرد.

وقایعی مانند اخراج سرزمینی مسلمانان میانمار، فشار دولت چین بر مسلمانان تحت

۱. اگر چه این جریان به عنوان یک سنت در دوران حیات بسیاری از رسولان (ع) وجود داشته است [بقره ۲۱۴]، اما ماجرای بنی اسرائیل در دوران مُلک‌داری طالوت (ع) که به تفصیل در آیات ۲۴۶ تا ۲۵۲ بقره بیان شده است، تصویر جامع‌تر و غنی‌تری را از چگونگی تحقق سنت‌های الهی به دست می‌دهد.

حکومت خود، تأسیس سفارت‌خانه‌های دولت‌های غربی در بیت المقدس، اقدام هندوها جهت کشتار مسلمانان در هند، اشغال فلسطین و محاصره مسلمانان فلسطین در نوار غزه، اشغال جنوب لبنان توسط رژیم صهیونیستی و فشار بر مسلمانان کشمیر و نزاع علیه مسلمانان در کشورهای افریقایی که از چند دهه گذشته شروع شده و در سال‌های اخیر شدت گرفته است، همگی در این راستا قابل توجه هستند. ایجاد مسائل پیچیده حاکمیتی و معضلات اجتماعی در امت اسلامی که آرام آرام اندیشمندان را از موضع در اختیار داشتن نسخه برای تمام مسائل حکمرانی به پایین کشیده نیز می‌تواند شدت یابد و نیاز به تغییر ساختار و رفتار را ایجاد کند. بر این اساس باید انتظار داشت تا فشارها تا حدی ادامه یابد که در مجموع توده‌های مردم و جامعه نخبگانی از تمام راه‌کارهای خود قطع امید کنند و تن به همراهی با برنامه‌های خداوندی دهند و رو به سوی الهی‌ترین فرد زمانه آورند.

«قَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا» در آیه ۲۴۶ سوره بقره در این دوران علاوه بر اخراج فیزیکی مسلمانان از سرزمین‌های خود، از طریق برخی فناوری‌ها نیز قابلیت تحقق دارد. استعمار فرانو که متکی بر فناوری صورت می‌پذیرد، هم‌اکنون قدرت حاکمیت را از بسیاری کشورها به حاکمیت غول‌های فناوری سوق داده است. برای مثال دسترسی مدیران شبکه‌های اجتماعی مجازی به داده‌های مردم در بسیاری کشورهای فقیر، بسیار بیشتر از دولت‌های ایشان است. این توانایی حاکمیتی غرب در مواردی که تقابل تمدنی وجود دارد، مانند تقابل با تمدن اسلامی، به اخراج حاکمیتی می‌انجامد. به طوری که قدرت از دست کارگزاران بومی خارج شده و به بازیگران فراملی سوق داده می‌شود.

استفاده دشمن از حملات سایبری و به کارگیری بدافزارها می‌تواند نمونه‌ای از این فن‌آوری‌ها باشد. نفوذ در ساختارهای حکومتی، کنترل و انهدام مراکز و زیرساخت‌های مهم کشورها از جمله مراکز هسته‌ای، از کار انداختن توان تسلیحاتی دفاعی یا به کار گرفتن این تسلیحات علیه صاحبان آن می‌تواند نمونه‌هایی از به کارگیری توان مندی‌های سایبری توسط دشمن باشد. این شکل از تحقق اخراج سرزمینی می‌تواند در آن دسته از کشورهای اسلامی که هم‌جهه نظامی و اخراج فیزیکی در آن‌ها میسر نیست در دستور کار دشمن قرار گیرد. از این رو سرمایه‌گذاری حداکثری دشمن در این زمینه و شدت یافتن چنین اقداماتی علیه ایران در آینده نزدیک محتمل است. گسترش نفوذ مقوله «اینترنت اشیاء» در کشورهای اسلامی از جمله ایران،

می‌تواند عمق عملیاتی دشمن را از انحصار زیرساخت‌های حساس به تمام خانه‌ها افزایش دهد. موضوع قابل توجه دیگر در راستای ایجاد نیاز در جوامع اسلامی توسط خداوند، شکاف بین نسلی و جداسازی نسل جوان از بدنه اجتماعی جامعه است که به صورت «اخراج از [نزد] فرزندان» عنوان شده است؛ «قَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانَا» [بقره ۲۴۶]. شکل‌گیری نسل زد و بروز شکاف بین نسلی در جامعه مسلمانان به دنبال هجوم فکری و فرهنگی دشمن که در سال‌های اخیر با گستراندن بازی‌های رایانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی از سوی دشمن شدت یافته، می‌تواند تحقق این بخش از آیه ماجرای طالوت (ع) تلقی شود.

در ماجرای طالوت (ع) فشارهای دشمن تا آنجا شدت گرفت که نخبگان جامعه آن روزگار حاضر به جهاد فی سبیل الله شدند؛ «إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لِهْمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». در این دوران نیز دشمن به صورت علنی به دشمنی می‌پردازد که در نتیجه آن در امت اسلام نیاز به تحوّل ساختاری و میل به جهاد فی سبیل الله ایجاد شود. جسارت شدید به مقدسات در جهان اسلام از جمله اقداماتی است که می‌تواند این میل را به سرعت در کشورهای اسلامی شکل دهد. لذا شدت یافتن جریان توهین به مقدسات مسلمانان نیز قابل انتظار است.

۵-۲. ایجاد ساختارهای الهی در جبهه حق با تأکید بر قدرت معنوی

به دنبال ابراز نیاز به تحول، ساختار معنوی و سپس حاکمیتی در کشورهای اسلامی تغییر می‌کند. آیات ۲۴۷ و ۲۴۸ سوره بقره توضیح دهنده ساختاری است که باید بر عمده جمعیت جهان اسلام حاکم شود. همان‌طور که تمام طوائف بنی اسرائیل تحت حاکمیت یک ملک الهی قرار گرفتند، کشورهای اسلامی نیز تکیه‌گاه معنوی و حاکمیتی واحد پیدا می‌کنند. همچنین در این فضا یک ساختار نظامی هماهنگ به منظور آماده‌سازی جهت مقابله با جبهه مفسد و متجاوز شکل می‌گیرد.

شخصی که در رأس ساختار جدید قرار می‌گیرد، در پی مطالبه و ابراز نیاز فراگیر، معرفی شده اما برآمده از صندوق رأی نیست. این ملک توسط خداوند برانگیخته می‌شود و به دست الهی‌ترین فرد زمانه معرفی می‌شود؛ «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا» [بقره ۲۴۷]. در این شرایط فردی مقدّس و الهی از بزرگان جامعه که توان مدیریت امت اسلام در خلال حوادث، تجربه موفق در مبارزه با دشمن صهیونیستی و ظرفیت مورد اقبال و اعتماد

سران کشورهای اسلامی قرار گرفتن را داشته باشد، فرماندهای برای سرکوبی دشمنان مشخص خواهد کرد.

او در تمام کشورهای اسلامی والیانی منصوب خواهد نمود و امت اسلام به رهبری او به صورت یکپارچه به سوی جنگ با دشمن نفوذ کرده در جان جهان اسلام گسیل خواهد شد. رهبر معظم انقلاب بارزترین فردی است که می‌تواند در این جایگاه قرار گیرد. همچنین روندها حاکی از این است که امت اسلام به رهبری ایران به سوی نابودی رژیم صهیونیستی پیش می‌رود و عنصر اصلی که باید سرکوب شود همین رژیم جعلی و پشتوانه‌های پنهان آن است.

در این راستا اصلاح و ارتقاء ساختار حکمرانی در جمهوری اسلامی نیز متصور است. میل به ارتقاء نظام جمهوری در نخبگان ایران شدت خواهد گرفت. تا تصدی امور جاری جامعه از ساختارهای انتخابی و شورایی به سوی ساختار نصب از سوی ولی جامعه تحوّل یابد. لذا زمینه برای دوگانگی در اعمال قدرت به واسطه اختلاف رئیس جمهور و رهبری کاسته خواهد شد. چرا که در آستانه ورود به جنگ با دشمن کوچک‌ترین تعارض و تقابل در ساختار حکومتی کشور قابل پذیرش نخواهد بود.

همان‌طور که با نصب طالوت (ع) به عنوان ملّک، بزرگان بنی اسرائیل تحت تأثیر هجمه فکری - فرهنگی دشمن از پذیرش او به جهت عدم برخورداری از تمکّن مالی سر باز زدند، در این زمانه نیز رسوخ فرهنگ بیگانه در جوامع اسلامی می‌تواند به عنوان بزرگ‌ترین مانع در برابر این حرکت الهی قلمداد شود. نخبگان جامعه بر اساس معیارهای وام گرفته از فرهنگ بیگانه، خود را شایسته قرار گرفتن در جایگاه فرمانده جنگ می‌دانند.

به نظر می‌رسد در این دوران، همان مشکل فکری نخبگان بنی اسرائیل یعنی باور نداشتن به خداوند صاحب برنامه و فاعل در صحنه‌های زمینی به عنوان مهم‌ترین مانع خودنمایی کند. نخبگان امروز در جوامع اسلامی به سبب زمینه‌های فکری - فرهنگی خویش، مفهوم «فاعلیت خدا در صحنه» را نمی‌پذیرند. بیان این موضوع که این خداوند است که صحنه‌گردان وقایع زمین است و او است که از نزدیک و در لحظه جامعه را راهبری می‌کند، برنامه خویش را اعمال می‌کند و فردی را به عنوان ملّک بر جامعه قرار می‌دهد، بدون شک با تردیدهای گسترده‌ای از سوی نخبگان مواجه است.

طالوت (ع) از توان‌های فرامادی در اداره و پیش‌برد ملّک خویش بهره برد. بر اساس این

بخش از آیه ماجرای طالوت (ع) و با تکیه بر نگاه آیاتی، باید انتظار داشت تا خداوند در این دوران نیز جبهه حق را از قوای فرامادی بهره‌مند کند. فرمانده جنگ با اسرائیلیان، با بهره‌گیری از این قوا نخبگان جامعه را قانع و همراه می‌سازد، از امت اسلام در برابر هجمه‌های دشمن و به ویژه رژیم صهیونیستی دفاع می‌کند و جامعه را به سوی این جنگ جریان می‌دهد. بر این اساس آمادگی‌های برای جنگ و خود صحنه جنگ و نابودی رژیم صهیونیستی و شکست هیمنه شبکه افساد آن در جهان، از روش‌های متداول و منحصر در ابعاد مادی انجام نمی‌گیرد.

انتخاب ملک توسط خداوند، قرار گرفتن او در رأس امت اسلام، نصب والیان در تمام بخش‌های سرزمین مسلمان، تشکیل جبهه واحد، سازماندهی این جبهه در قالب لشکریان با بهره‌مندی از قوای فرامادی که در دستان و تحت اراده فرمانده جنگ با اسرائیل قرار دارد، ساختاری است که جایگزین ساختار حکومتی - سیاسی فعلی در امت اسلام می‌شود. به جهت استقرار این ساختار جدید و بسیار متفاوت الهی در جامعه، تحولاتی نیز در عرصه‌های فکری - فرهنگی در امت اسلام صورت خواهد گرفت و خداوند تمام این تحولات را با محوریت ایران رقم خواهد زد.

۵-۳. ارتقاء ساخت معنوی جامعه و آماده‌سازی لشکریان

مطابق با نگاه آیاتی به ماجرای طالوت (ع) در این زمان نیز بعد از ایجاد ساختار مناسب در لشکر حق، خداوند آیه ۲۴۹ سوره بقره را بار دیگر حاکم می‌گرداند و در قالب صحنه‌های مانورگونه لشکریان را تربیت کرده و آماده جنگ با اسرائیل می‌کند. تربیت‌های که خداوند در این صحنه‌ها قرار می‌دهد در راستای ایجاد «عبودیت» در لشکریان است تا در نهایت به دست «عباداً لنا» فساد اسرائیلیان نابود گردد؛ «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا»، [اسراء ۵]

همان‌طور که خداوند در ماجرای طالوت (ع) تربیت لشکریان را به سهولت انجام داد و تنها با بهانه امساک از نوشیدن آب نهر ایشان را «متی» قرار داد، در صحنه‌های پیش رو نیز خداوند با رحمت خود رفتار خواهد کرد و به سهولت و با مطالبه رفتارهای جزئی لشکریان را در همراهی با ولیّ تا حد «متی» شدن ارتقاء می‌دهد تا در نهایت لشکریان امت اسلام آماده رویارویی با اسرائیلیان گردند.

در سال‌های گذشته و با مطرح شدن هلال شیعی و قوت گرفتن شیعیان در منطقه با محوریت ایران، دشمن تحرک‌های گسترده‌ای را آغاز کرد و جریان‌های تکفیری مانند القاعده، طالبان و داعش را در سراسر منطقه ایجاد کرد و چند کشور را تا مرز نابودی پیش برد. حال اگر جریان پر قدرتی با هدف نابودی رژیم صهیونیستی در منطقه شکل گیرد، بدون شک دشمن بسیار شدیدتر از گذشته به مقابله بر خواهد خاست. لذا باید انتظار بازتولید جریان تکفیری در منطقه را داشت. دشمن از هر ظرفیتی برای تضعیف و ایجاد اختلاف در جبهه شیعی بهره خواهد برد. تحمیل فشارهای اقتصادی، ایجاد جریان‌های فکری-فرهنگی به منظور بروز شکاف‌های عقیدتی و مذهبی، خلق و راه‌اندازی جنگ‌های داخلی در منطقه و به ویژه در جبهه شیعی از اقدامات آینده دشمن خواهد بود.

با توجه به محوریت ایران در صحنه‌های آینده، بیشترین هجوم دشمن متوجه ایران خواهد بود. لذا ایجاد فشار حداکثری و راه‌اندازی جنگ داخلی از سوی دشمن بسیار محتمل خواهد بود. بر این اساس ضروری است تا ساختارهای حکومتی در جمهوری اسلامی نیز متناسب با تاب‌آوری در چنین صحنه‌هایی بلکه متناسب با غلبه در این صحنه‌ها تغییر کند. واضح است که صحنه‌هایی که خداوند در خلال آن لشکریان را تربیت کرده و آماده نابودی فساد اسرائیلیان می‌کند، با صحنه نبرد اصلی سنخیت خواهد داشت. لذا می‌توان نتیجه گرفت حرکت لشکر واحد امت اسلام در بخش‌های مختلف سرزمین اسلامی و نابودی فتنه‌ها و غائله‌هایی که دشمن ایجاد کرده است، مانورهایی جهت آماده‌سازی و تربیت لشکریان باشد.

۴-۵. سرکوبی فساد جبهه استکبار با محوریت رژیم صهیونیستی

همان‌طور که طالوت و سپاه او با بهره‌مندی از تأییدات خداوند در صحنه جنگ پیروز میدان می‌شوند و فساد جالوتیان در زمین را ریشه‌کن می‌کنند، در این دوران نیز فساد جبهه استکبار که با محوریت شبکه‌های صهیونیستی سراسر زمین را فرا گرفته، با بهره گرفتن جبهه حق از توان‌های فرامادی ریشه‌کن خواهد شد. با برچیده شدن بساط مفسدان و قطع امید آنان از نفوذ مؤثر و غلبه بر امت اسلامی، زمینه برای هم‌سویی و هم‌افزایی امت اسلامی ایجاد می‌شود.

۵-۵. ایجاد زمینه‌های جهش تمدنی

امت اسلامی پیش از غلبه بر فساد ریشه دوانده در بدنه خود، به غیر از حرکت موضعی و مقطعی که به بخش‌های خاصی محدود می‌شود، زمینه‌ای برای حرکت تمدنی پایدار نداشت.

اختلاف‌های داخلی و سوءتفاهم عمیق درباره شکل مناسب حکومت، سیاست، روابط اجتماعی و روابط با همسایگان و حرکت علمی و دفاعی مانع از این بود که امت اسلامی بتواند حرکتی منسجم و هماهنگ را برای پی‌ریزی تمدن نوین فراهم آورد. ظلم و فساد تحمیل شده از سوی دشمنان جالوتی بر پیکر امت اسلامی سبب می‌شود که آنان خود را بازیابند و در مانوری هماهنگ به ایده مشترک و حرکتی متکی به قصد و اراده جمعی برسند که آنان را در مسیر همکاری‌های بزرگ‌تر قرار دهد.

آنان به لحاظ ساختارهای قدرت به‌ویژه ساختارهای سیاسی و دفاعی به هماهنگی و رزیدگی و آمادگی مناسبی رسیده‌اند که بتواند زمینه‌ساز ایجاد چارچوب‌های پایدار برای دفع تهدیدها و حفظ رشد داخلی مردمان باشد. پس از پیروزی در جنگ، معارض اصلی این تمدن نیز برای مدتی به عقب رانده شده و فرصت رشد در کنار دیگر مسلمانان و موحدان جهان از گذشته فراهم‌تر است. اکنون دیگر قدرت نظامی اطلاعاتی و رسانه‌ای دشمن سبب نمی‌شود که بتواند حقایق اسلام را وارونه نشان دهد و مسلمین را آن‌چنان بترساند که نتوانند در برابر تحریف‌ها تحریم‌ها و تهدیدهای او واکنش نشان دهند و دچار اختلافات درونی شوند. مسلمین می‌توانند با فاصله گرفتن از حکام دست‌نشانده و نفوذی تمدن دیگر، تجربه تمدنی نو را آغاز کنند. آنان هم تأیید الهی را دیده‌اند و هم زبونی دشمن را؛ و این پیروزی که بدست آورده‌اند سبب می‌شود امید به آینده در دل آن‌ها بار دیگر شکوفا شود. نمودار شماره ۲ سیر این مقاطع را نمایان می‌سازد.



نمودار شماره ۲. سیر مقاطع اصلی بیداری اسلامی در زمانه پیش رو

نتیجه‌گیری

وقایع جهان متأثر از مشیت و اراده الهی رقم می‌خورند. گاه این پدیده‌ها و ارتباط بین آن‌ها صرفاً با تحلیل‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متعارف و مبتنی بر شواهد مادی فهم می‌شوند و گاه لایه‌ای ماورای شواهد مادی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. اعتنای به آموزه‌های وحیانی، خواه در قالب سنت‌ها و خواه در قالب آیات، چه در بیان قرآن باشد و چه در بیان رسول‌الله (ص) و عترت ایشان، افقی نو فراروی انسان می‌گشاید. به نظر می‌رسد بهره‌گیری از رویکرد نگاه آیاتی در مطالعه آیات خداوندی در قرآن همچون ماجرای طالوت (ع) برای فهم پدیده‌ها و تصویرپردازی از آن‌ها راه‌گشا تر از اکتفاء به سنت‌ها است.

بر اساس نگاه آیاتی با فرض این‌که ماجرای طالوت (ع) برفراز امت اسلامی و محیط پیرامونی آن قرار گرفته باشد، امت اسلامی اکنون در مقطع ایجاد نیاز به تحول ساختاری قرار دارد. مطابق با برنامه‌ای که خداوند در پیش‌روی انقلاب اسلامی و جریان بیداری اسلامی قرار داده است، بعد از ایجاد ساختارهای الهی در جبهه حق با تأکید بر قدرت معنوی و ارتقاء ساخت معنوی جامعه و آماده‌سازی لشکریان، شاهد سرکوبی فساد جبهه استکبار با محوریت رژیم صهیونیستی و بعد از آن ایجاد زمینه‌های جهش تمدنی خواهیم بود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۶۲). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
۴. بابایی، محمد (۱۳۹۶). عصبیت رسانه‌ای در تمدن نوین اسلامی و آینده بدیل رسانه‌ها؛ گذار از رسانه دولت محور به رسانه تمدنی. دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ۲ (۳).
۵. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دار العلم للملایین.
۷. حمیدی، شیما (۱۳۹۶). تحلیل شناختی مفهوم آیه در تفسیر تسنیم (با بررسی موردی پدیده‌های طبیعی)، دوفصلنامه معارج، شماره ۲، ۶۳ - ۸۴.
۸. دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۶). چشم‌انداز جایگاه تمدن نوین اسلامی در شکل‌گیری نظم پساژمون در اقتصاد سیاسی جهانی. دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ۲ (۳).
۹. ذوالفقارزاده، محمدمهدی؛ احمدیان، مهدی و محیط، امیرحسین (۱۳۹۸). مبانی نظری آینده‌نگری آیاتی. تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۹۲). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیة.
۱۱. رنجکش، محمدرضا (۱۳۹۸). بررسی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در جنبش‌های بیداری اسلامی با تأکید بر مفهوم اشاعه سازه‌انگاری. فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۸ (۱۵)، ۵۱-۷۴.
۱۲. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی (۱۴۱۵). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
۱۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہ‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات فراهانی.

۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مکتبه المرتضویه.
۱۷. عارفی گوروان، اسماعیل (۱۳۹۷). زمینه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی در جامعه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری. فصلنامه پانزده خرداد، بهار ۱۳۹۷ (۵۵)، ۴۹ - ۶۸.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین. قم: انتشارات موسسه دار الهجره.
۱۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵). القاموس المحیط. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۰. قاسمی، حاکم (۱۳۹۶). تمدن اسلامی در مرحله گذار، ضرورت آینده‌نگاری و راهبردپردازی برای ساختن تمدن نوین اسلامی. دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ۲ (۳).
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی. قم: دار الکتب.
۲۲. کریمی، غلامرضا (۱۳۹۶). واکاوی پیشران‌های خارجی تمدن نوین اسلامی. دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ۲ (۳).
۲۳. لاجوردی، سیدشهاب و معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۹). جایگاه عقلانیت در شکل‌گیری مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای. فصلنامه سیاست متعالیه، ۸ (۲۸)، ۵۳ - ۷۰.
۲۴. مرشدی‌زاد، علی (۱۳۹۶). حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی. دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ۲ (۳).
۲۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. معماری، داوود (۱۳۹۶). نگاشت آینده تمدنی اضلاع تمدن نوین اسلامی و راه پایدارسازی و پابرجایی آن. دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ۲ (۳).
۲۷. موسوی اندرزی، نرجس و آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۹). مفاهیم آیه در دوره پیش از اسلام: تبارشناسی و معناشناسی. مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ۶ (۱۷)، ۶۳ - ۱۰۵.
۲۸. مولوی، محمد (۱۳۹۶). گرایش اجتماعی در تفاسیر قرآن، پیشران موثر در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی. دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ۲ (۳).
۲۹. نجف‌زاده، رضا (۱۳۹۶). عقلانیت سه گانه و خلق آینده‌ی بدیل مطلوب برای تمدن اسلامی. دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ۲ (۳).